



مرندنیرومند میدان
رسال‌العلی رایحی خالق مجسمه‌ای در میدان دربند تهران است که از ۵۸ سال پیش تا به حال از کوهنوردان استقبال می‌کند. ریاحی این مجسمه را زریع گویه‌بان امیر شاه قدیمی مربی کوهنوردی ساخت و شاهقدیم برای ساخته شدن این مجسمه طل هشت ماه روزی هفت ساعت به شکل که مجسمه ایستاده می‌ایستاد تا استاد رایحی خلق تابلو را به انجام برساند. این مجسمه سازکه استاد دانشگاه تهران بود سال ۱۳۹۵ در ۸۹ سالگی از دنیا رفت.

معنای ابدی

غلامرضا رحیم‌زاده از زنگ مجسمه‌ای ماندگار دارد که «سال پیش در میدان حرام‌وز روای شاه ساق نصب شده و گرشاسب رادر میداره با ازدهانشان می‌دهد. پیروزی خیربرش رکفتمان این مجسمه است که همین سبب شد بعد از تغییرنام میدان این مجسمه بنوی سر جایش بماند. رحیم‌زاده از زنگ مجسمه‌های دیگر مجسمه‌هایی هم دارد که از مهم‌ترین آنها انوشیروان دادک در کاخ دادکستری است. حسن از زنگ نژاد دیگر مجسمه‌ساز ایرانی پسرخاله رحیم‌زاده است.

هویت‌نما شهرها و محله‌ها

خیابان‌ها و محله‌های تهران به قدری سریع در حال تغییر و تحول هستند که دیگر واقع‌نمای توان مطمئن بود اگر بعد از یک سال به خیابان‌ها و همان کوچه‌پس کوچه مواجه باشند. همان می‌شوند این میان نه تنها بافت خیابان‌ها بلکه نام خیابان‌ها و معابر شهری به سرعت دستخوش تغییر و تحول می‌شود. البته اصلاح‌آدم بدبست نیست که نام انسانی افتخار‌آفرین بر معتبر بنشینند، اما این‌که این نام بر تاریخ چه معنی داشته باشد بسیار حائز اهمیت است.

شما بینید، آمده‌اند نام بزرگان اسلام و ائمه‌اطهار را روی میدان‌ین یا بزرگراه‌ها گذاشته‌اند و از نظرشان کار بسیار ارزشمندی هم انجام داده‌اند. غافل از این که وقتی مردم به زبان کوچه و بازار این اسمی را بر زبان می‌آورند، ممکن است سبب ایجاد و هنر شود: در حالی که بر ما واجب است وقتی اسامی متبرک را می‌شنویم، باستیم و تعظیم کنیم، برای من چی سوال است امام علی (ع) چه نیازی به بزرگ‌راه دارد؟ پا امام حسین (ع) چه نیازی به میدان دارد؟

معرفی یک شهر قطعاً تاکید بر پیشینه و مکتب‌هایی که مبنی بر مجسمه‌ها و معماهای آن است، عملی می‌شود؛ جراحت اینها این امید را به انسان می‌دهد که زندگی در طول دهه‌های مختلف و با وجود جنگ‌ها، انقلاب‌ها و بلایات طبیعی همواره ادامه داشته است، اما بعض‌آیده می‌شود این معرفی بدون هیچ آگاهی انجام شده و از سویی دیگر اساسی خیابان‌ها توصیه دولت‌ها تغییر می‌کند و این تغییر عملاً مورد پذیرش عموم مردم قرار نمی‌گیرد.

خیابان فردوسی را از سال‌ها پیش به نام خیابان‌ها می‌شنختند. اما سال ۱۳۱۳ که آقای فروغی (نخست وزیر) پیشنهاد تغییر نام خیابان‌ها را داد، بنا شد برخی خیابان‌ها را مجدد نامگذاری کنند. بعضی از خیابان‌ها نامشان با این‌نحوه مانند خیابان‌لختی که نامش را به سعدی تغییر دادند، خیابان حافظ هم در گذشته بنام شاهپور معروف بود که بعد از این نام تغییر پیدا کرد. نام‌های زیادی تغییر کرد که بعضی مورد پذیرش مردم واقع شد و بعضی دیگر نشد و بعضی می‌بینیم با وجود تغییر نام خیابان‌ها می‌گردند.

مردم همچنان آن را به نام ساقش می‌کنند.

هر نام یک غصه‌تاریخی دارد و در تغییر نام‌ها باید سابقه تاریخی یک محله را یک خیابان حفظ شود. که مردم راحت‌تر آن را بینند. در این میان البته، هویت‌زدایی و ازین بینند نمادهای تاریخی دل هر انسان فرهنگ و سنت را به درمی آورد. ساخت محتمعی تجارتی در دل بافت تاریخی کرمان که اطراف آن ساختمان‌های تاریخی و قدمی مانند کاروانسرا کوزده‌گران، میدان تاریخی ارگ، بازار تاریخی و حتی مجموعه گنجعلی خان قرار گرفته یا توچی به ارگ علی‌شاه در تبریز یا مثال‌های فراوان دیگر در این باره چه توجیه فرهنگی‌ای دارد؟ بهتر است زاویه نگاهمان را به این‌نحوه تغییر دهیم؛ چراکه پشت هریک از این بنایها تاریخ و هویت ایرانی نهفته است.

مجسمه‌نماد هویت و جان‌بخشی به یک شهر یا محله است و باید با توجه

به اندیشه و فرهنگ مردم یک شهر ساخته شود تا مردم با آن ارتقا برقرار کند. ضمن این‌که یک اثریاده مردم معرفی شود تا مردم آن را بشناسند. به عنوان مثال در میدان حرج‌آغاز صد نفر در همان خیابان‌های اطراف میدان بیرونی این مجسمه‌جه کسی است، نمی‌دانند اینها دانند در میدان حرج‌آغاز نیزه‌گردش سبک با ازدها به مناسبت نجات آذربایجان از اشغال شوروی و حرب دموکرات بنانهاده شده که البته این تندیس همراه تندیس فردوسی جزو محدود تندیس‌هایی است که در دهه‌های اخیر اسیب ندیده و جایه جانشده است.

مجسمه‌سازی شهری باید با توجه به جامعه و امکانات یک شهر به یک تمدن ساخته شود و مهندس ماهنوز اطلاعات کافی راجع به همین مجسمه‌هایی که در تهران باقی‌مانده هم ندارند و آنچه به نظر می‌رسد، این است که ظاهرالاشی برای تعریف ماهیت و جرایی مجسمه شهری و مولفه‌های لازم برای ضرورت آن ارائه نمی‌شود.

از نظر من، زیبایی‌های بصری که امروز در تهران شاهد آن هستیم بسیار مصنوعی و قلابی است و ما در تهران فقط در حال دیوارسازی هستیم. متناسبه با دستکاری در معماری اصول زندگی ایرانی را برهم زده‌اند و امروز هیچ بچه‌ای در تهران نمی‌تواند آسمان را بینند.

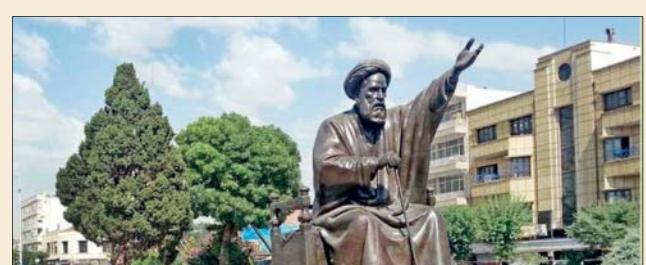
من شهر ندان پایتخت

وسی‌شاهنامه‌اش را برداشت و همراه زال رفت و نشست وسط میدان فردوسی
گراز خاطره‌انگیزترین مجسمه‌های شهری تهران را مرور کرده‌ایم

رضاشاه را که هم قامت خودش بود، پایین بیاوردند که آوردن. هر چند آنها را عرصه خیابان را واکندازند و مجسمه‌های خود را بازگشت.

پس از آن، مجسمه‌پرچارشی «فرشته از ایده» چهاردهه‌ای مهمنان بهارستان بود تا این‌که سال ۱۳۷۰ مجسمه‌ای کمالابی جاشهیه به این میدان بیاورد و تا همین حالاکه، ۲۴ سال از تاریخ نصیب گذشته، دستش را به اشاره بگیرد و رو به اختیام مجلس، گوکه بخواهد بچیزی بگوید، هشداری بدهد یا این که به وکای مردم بآواری کند آن ساختمان‌های اندگیز جای که کارهایی بوده و جای چه کارهایی نیست. شاید لازم باشد با تغییر ساختمان مجلس، حالا جای این مجسمه را هم تغییر دهد که سمت اشاره مدرس، سوی نمایندگان مردم باشد. نمایندگان که خود را، یکی از مهمندان یا این‌هاشان در تاریخ پارلمان را سیم‌ایرانی بوده است.

مجسمه سید حسن مدرس، وسط میدان روی پایه‌ای از آجر قارگرفته و روی تختی چوبی نشسته و عصایی در دست چیز دارد. بینه پیشترها پایه بیند این مجسمه باعث شده بود از تفاسی هشت متری بیاورد؛ یعنی حتی یک متر از اتصال ساختمان قدم مجلس. خردمند این امایاکه را گفته‌اند که در همین سال برای مجسمه نمایندگان داخل آن مخدوش نیاشد. اتفاق دیگری که در همین سال برای مجسمه رخ داد این بود که گفتوه طوطه مجسمه را کف‌قویش آجر فرش ایرانی یا یک سرامیک فیروزه‌ای کشیدند تا آن را شیشه‌ای می‌دانند. گرچه در این مدت از چهار ساختمان مجلسی از مخالفین قرار نمی‌گیرد، حال سه سال است مجلس مدرس بزیر نیفتابد. همچنان‌که هنوز خیابان‌های پایتخت دست قلچم‌های و خامنی‌بال رفته‌اند تا مجسمه بزیر



به چه اشاره‌می‌کنی مرد؟

مدرس

محل استقرار: میدان بهارستان

تاریخ نصب: ۱۳۷۵

جنس: بزرگ

سازنده: ملک دادار گروسین و نادر قشقایی

ارتفاع: ۳/۵ متر

ظهرکوتدا که هنوز خیابان‌های پایتخت دست قلچم‌های و خامنی‌بال رفته‌اند تا مجسمه بزیر

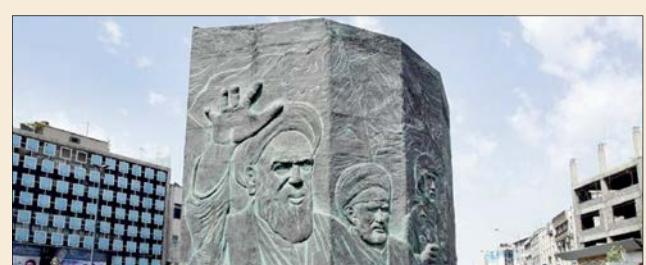
نیفتابد. همچنان‌که هنوز خیابان‌های آن چهار ساختمان هامنی‌بال رفته‌اند تا مجسمه بزیر

استعاره عجیبی است این که میدانی را به نام «مجسمه» بشناسند. مجسمه در معنای عام

کلمه، یعنی به این که بگویند میدان بدون هرگونه مجسمه و نمادی ماند. سال ۱۳۶۱ به مناسبت زاده رضا پهلوی، ساختمان را به نام «گفتند میدان» مجسمه، از همین رو شاید به لحظه ماهیت وجودی جاشهیه شکل، وسط میدان نهشت، صدای اعڑا از اتفاق‌های بینندگان را شناسد. جالب است بدانند چنین میدانی با چنین اهمیتی، چهار سال بدون هرگونه مجسمه و نمادی ماند. سال ۱۳۶۱ اکه به خاطر احداث متروی انقلاب، ساختمان میدان را گرداند تا پیش بوده باشد. چون برخی خردمند این امایاکه را گفتاری که در همین سال برای مجسمه رخ داد این بود که گفتوه طوطه مجسمه را کف‌قویش آجر فرش ایرانی یا یک سرامیک فیروزه‌ای کشیدند تا آن را شیشه‌ای می‌دانند. چالب در گذشته دست قلچم‌های و خامنی‌بال رفته‌اند تا مجسمه بزیر

پیشین هم که از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ وسط میدان جا خوش کرده بود، هیچ ربطی به انقلاب نداشت. ایرج اسکندری سال ۱۳۶۱ طرح دیواری را برای نصب در

مصلای تهران از معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سفارش گرفته بود که به جنگ ربط داشت. اما سازمان‌جام فریدون صدیقی آرانه به شکل دیواری بلکه در هندسه‌ای حلوونی وسط میدان انقلاب نصب کرد.



دیواری که حلزون شد

انقلاب

محل استقرار: میدان انقلاب

تاریخ نصب: ۱۳۶۱

جنس: بتون

سازنده: ایرج اسکندری

می‌گویند هشت ماه روزی هفت ساعت می‌رقنده همین طور سیخ و ارتشی می‌ایستاده و پهلوی رضا لعل ریاحی تا پیکر را ربارشد؛

امیر شاه قدیمی رامی‌گوییم که خلبان و کوهنورد معروفی بود. مجسمه

معروف به کوهنورد در میدان دربند ایستاده بگیرد و می‌گویند که هندسه‌ای

قاله توجل یکی از قبیه‌ترین مجسمه‌های شهری تهران است که هنوز پیش از آنکه باید

است که هنوز پیارجاست. نمادی برزش کوهنوردی که البته خجالت مناسب نیست بر آن

میدان و محله‌ای باور ندارید بروید خودتان بینندگان

آجی‌سال هاست بیش از آنکه باید که اتفاق ورقه‌ای را در هندسه‌ای

ورزشکارها باشد. تفریج‌گاه اهالی دود و شکم است: دو فقره‌ای که اتفاقاً ورزش میانه چندانی با آنها ندارد.

کوهنورد، ۶۱ سال است آنجاست: هم قدمت

با تندیس ابوالقاسم فردوسی، چند کیلومتر

پایین‌نرس میدانی به نام خودش.



مرد نستوه بالا شهری‌ها

کوهنورد

محل استقرار: میدان دربند

تاریخ نصب: ۱۳۸۸

جنس: ابتدا چرخ سپس سیمان

سازنده: رضا علی‌ریاحی

ارتفاع: ۲۵۴ سانتی‌متر

سال خلق اثر: ۱۹۶۷-۱۹۷۵

جنس: بزرگ

نام اثر: Two Pieces Reclining

نام هنرمند: Le Thapeute

زنه مأگریت: زنه مأگریت

ارتفاع: ۱۶ سانتی‌متر

سال خلق اثر: ۱۹۷۶

جنس اثر: بزرگ

میلت هنرمند: بلژیک



بدون عنوان

نام هنرمند:

آرنولد پومودورو

ایتالیا

ارتفاع:

۱۵۶ سانتی‌متر

سال خلق اثر:

۱۹۶۷-۱۹۷۵

جنس اثر: بزرگ